

آرزوی یک جریان

مجلس منفعل



درک و فهم ضعیفی داشته باشد نمی‌تواند گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. چه درک تاریخی، چه سیاسی و... .

حالا باز هم این درک و آگاهی مردم باید در یک بزنگاه، تعیین سرنوشت ملت را به دست گیرد. حواس‌مان هست عده‌ای که از رای مردم به قبیله‌شان ناامید شده‌اند بر طبل تحریم انتخابات می‌کوبند و از تاثیر کم مجلس در تغییر وضعیت می‌گویند. چه کنیم که همان‌ها چند سال پیش در شعارهایشان از اهمیت مجلس در تعیین امور می‌گفتند! تغییر در سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... فقط و فقط از راه حضور فعالانه در عرصه‌های نظام مردم‌سالاری دینی محقق می‌شود. نه با بی‌توجهی به انتخابات می‌توان امید به وضعیت بهتر را داشت و نه با تحریم آن اتفاق خاصی در روند فعلی خواهد افتاد.

مغزها و دهان‌هایی که سعی در کم‌اهمیت جلوه‌دادن انتخاب می‌کنند با دست‌هایشان به دنبال یک مجلس خنثی و منفعل هستند تا مانع کارشان نشود. این بار باید هم شرایط را دقیق فهمید و هم از گذشته عبرت گرفت تا مجلسی روی کار بیاید که عرصه را بر بی‌تدبیری‌ها تنگ کند.

باشیم. فراموش‌کاری اما باعث می‌شود همان‌هایی که در به‌وجود آمدن شرایط فعلی تقصیر دارند باز یک بوق و کرنای دیگر بردارند و این‌بار هم خود را معترض نشان دهند و امید به تکرار تصمیمات گذشته را داشته باشند. فراموش‌کاری ما ملت باعث می‌شود با طناب پوسیده‌ی چند سلبریتی، به چاه کسانی برویم که جز اظهار نیاز به غرب، تدبیر دیگری ندارند. همان‌ها حالا حرف‌هایی از تحریم انتخابات می‌زنند. فراموش‌کاری ما می‌تواند این‌بار هم یک بحران بیافریند.

حالا آن «ندانستن» و نداشتن تحلیل را بگذارید کنار این «فراموش‌کاری» و در نظر داشته باشید که همین ملت باید سرنوشت خود را تعیین کند. تا وقتی که ما نخواهیم درک درستی از علل بروز مشکلات داشته باشیم گرفتار موج‌های دیگران خواهیم شد. یک روز گرانی ماست را به شورایی نبودن رهبری ربط می‌دهند و روز دیگر دلیل بیکاری را کمبود آزادی زنان می‌دانند! کار آن‌ها این است که به عامه‌ی مردم تحلیل‌های غلط بخورانند و از درک ناقص ما پلی برای تصاحب قدرت خود بسازند. این جاست که اهمیت آگاهی عمیق ما مردم مشخص می‌شود. ملتی که

صحبت از گرانی و تورم، بیکاری و رکود، قیمت حامل‌های انرژی و نرخ ارز و... این روزها نقل هر محفلی شده‌است. اما این‌بار طعم این نقل، تلخ است. سخت بتوان خانواده‌ای را پیدا کرد که از گرانی‌های اخیر صدمه ندیده باشد. تا این مرحله را، مرحله‌ی فهم وجود مشکل، همه جلو می‌رویم. بعد از این است که راه‌های مختلفی دیده می‌شود. بعضی فقط می‌توانند به وضعیت موجود اعتراض داشته باشند اما نه تحلیلی از شرایط دارند و نه مجموعه‌ی عللی که باعث بروز مشکلات شده‌است را می‌دانند. اما اگر به‌راستی ما دلسوز وضعیت خودمان هستیم، نباید فهم‌مان را از دلایل ناکارآمدی‌ها گسترش بدهیم؟ چه برخوردی خواهید داشت با انسانی که می‌خواهد از یک کوه بالا برود اما لوازم آن را نمی‌داند؟ آیا به‌خاطر این «ندانستن» او را ملامت نمی‌کنید؟

می‌گویند ملت ایران، ملت فراموش‌کاری است. حالا این فراموش‌کاری گاهی نسبت به تاریخ چند دهه‌ی قبل است و گاهی حتی نسبت به شش هفت سال پیش. وقتی فراموش‌کار باشیم یعنی نمی‌توانیم متوجه اثرات تصمیمات قبلی‌مان در وضعیت امروزمان

به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است - نفوذ در مراکز حساس و تصمیم‌گیر - ایجاد تفرقه است، ایجاد تزلزل در عزم ملی ملت‌ها است، ایجاد بی‌اعتمادی میان ملت‌ها، میان ملت‌ها و دولتها، دستکاری در محاسبات تصمیم‌گیران و واغود کردن اینکه حلال مشکلات این است که زیر پرچم آمریکا بروید و تسلیم آمریکا بشوید و حرف آمریکا را قبول بکنید، هر چه او گفت عمل کنید و گوش کنید، این حلال مشکلات است؛ این را در ذهنیت تصمیم‌گیران ملت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی می‌خواهند وارد کنند؛ سلاح‌های آنها اینها است که از سلاح‌های سخت و سلاح‌های نظامی خطرناک‌تر است. حقیقتاً آنچه انسان مشاهده میکند در کار آنها، همان نفاقی است که در قرآن کریم [فرموده]: **كَيْفَ وَ اِنْ يَظْهَرُوا عَلَیْكُمْ لَا یَرْبُؤْا فِیْكُمْ اِلَّا وَ لَادِمَةً یُرِضُوْنَكُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْبِی قُلُوْبُهُمْ**؛ این جور هستند؛ خداوند متعال توصیف کرده اینها را. ۱۳۹۸/۸/۲۴



پیچاره

چرا تمام کاسه و کوزه‌ها را بر سر



اقتصاد مردمی را نرم‌نرمک شکل بدهد و به یک الگوی اسلامی در اقتصاد برسد توسط مسئولین همین نظام عملاً از بین می‌رود. باری اقتصاد در دو دولت بعدی نیز کمی به راست و کمی به چپ می‌زند و به جز یکی دو طرح قابل قبول، در بقیه‌ی موارد بویی از اقتصاد اسلامی نمی‌برد. تا به این آخر که در دولت کنونی سیاست‌های نئولیبرالیسم، آن‌هم یک‌طرفه اجرا می‌شود. یعنی بازار هشتاد میلیونی ایران را برای شرکت‌های خارجی باز می‌کنیم و از آن طرف تولیدکننده‌ی داخلی را نادیده می‌گیریم. خیال باطل است که قاچاق را صرفاً یک مشکل عملکردی در دستگاه‌های ناظر و یا ناشی از فساد درباری بدانیم. قاچاق اگر در ذهن ما قاچاق است در ایدئولوژی اقتصادی آقایان باز کردن درهای بازار به روی اقتصاد آزاد است که در آن تعرفه و کنترل معنا ندارد. وگرنه حاکمیت جمهوری اسلامی آن‌قدر اقتدار دارد که اگر اراده کند تمامی



بخش‌های مختلف حکومتی را در این چهار دهه بررسی کنیم.

از اقتصاد شروع می‌کنیم که درد این روزهای جامعه است. اقتصاد جمهوری اسلامی در دوران جنگ تحمیلی در دست تفکر چپ است. سیطره‌ی کامل دولت بر اقتصاد، اجناس کوپنی، سیاست‌های قیمت‌گذاری اجناس، کنترل‌های مختلف دولتی و... نمودهای این تفکر در اقتصاد است. هرچند شرایط جنگی کشور بخشی از این‌ها را توجیه می‌کند. بعد از جنگ و در دولت سازندگی اقتصاد از چاله‌ی چپ به چاه راست می‌افتد. سیاست‌های تعدیل اقتصادی، استقراض از بانک جهانی، خصوصی‌سازی بدون کنترل، سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاران خارجی و سپردن بازار ایران به آن‌ها و... نشان از راست‌زدگی اقتصادی در آن ایام است. شاید از اقبال کم جمهوری اسلامی باشد که در دو دهه‌ی ابتدایی آن، میدان آزمایش تفکرات چپ و راست شده‌است و اگر در آن میان نهادهای انقلابی همانند جهاد سازندگی یک

«اهل نظر و روشنفکران هستند که نارضایتی‌ها را معنا می‌کنند». این گفته‌ی دکتر حسین کچوئیان، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در برنامه‌ی تلویزیونی شوکران است که در خلال بحث‌ها نظری بیان شده‌است. آن‌چه که به نظر می‌رسد این است که جریان‌های مختلف منتظر و مترصد مشکلات مختلف درون کشور هستند تا برنامه‌های سیاسی خودشان را به‌عنوان جایگزین تفکر انقلابی پیاده کنند. مقام معظم رهبری از تفکیک عوام و خواص استفاده می‌کنند. ایشان خواص جامعه را کسانی می‌دانند که اهل تفکر مستقل هستند و عوام کسانی هستند که دنباله‌روی خواص‌اند. در این معنا خواص لزوماً افراد تحصیلکرده یا صاحب منصب و... نیستند. می‌توان یک راننده‌ی ماشین سنگین اهل خواص پیدا کرد و می‌توان یک روحانی اهل عوام. غرض از این مقدمه این بود که تفکیک بین خواص و عوام در ادامه‌ی بحث روشن شود و نقش هر کدام از این‌ها در جامعه فهم شود.

سوال اصلی این است که اگر به‌دنبال ریشه‌ی مشکلات مختلف در کشور در چند دهه‌ی گذشته بگردیم چه سهمی را اسلام‌گرایی یا گرایش به ایدئولوژی و مکتب اسلامی متقبل می‌شود. آیا اگر از همین امروز ما ایرانیان، اسلام را در سیاست کنار بگذاریم و روابط خارجی و اقتصاد و فرهنگ و... را به یک نظام سکولار بسپاریم مشکلات مرتفع می‌شوند؟ آیا اسلام سیاسی که پایه‌ی انقلاب اسلامی بوده‌است موجب بروز مشکلات فعلی است؟

آن‌چه که به‌صورت کلی می‌توان از بررسی حکمرانی بعد از انقلاب اسلامی فهمید این است که فرصت عرض اندام عملی به اندیشه‌ی اسلامی داده نشده‌است. شاید این ادعا گزاف به‌نظر بیاید اما بد نیست

هفته‌ی آینده در گذشته!

۱۵ دی ۱۳۸۲

تشکیل انجمن مشروطه در اصفهان

نجفقلی خان مصمصام السلطنه بختیاری - از رهبران مشروطه - با سه هزار نیرو وارد اصفهان شد و پس از تصرف شهر، «انجمن مشروطه» را تشکیل داد.

۱۴ دی ۱۳۵۲

ورود مخفیانه‌ی ژنرال هایزر به تهران

ژنرال روبرت هایزر، مستشار عالی‌رتبه‌ی نظامی آمریکا، برای بررسی جایگاه و وضعیت نظامیان و بازداشتن امرای ارتش از کودتا علیه شاپور بختیار، مخفیانه وارد تهران شد.

۱۳ دی ۱۳۵۲

آغاز کنفرانس گوادلوپ برای بررسی اوضاع ایران

رؤسای جمهور آمریکا، فرانسه و نخست‌وزیران آلمان و انگلیس برای بررسی رویدادهای ایران و آینده‌ی آن وارد جزیره‌ی گوادلوپ شدند.

اسلام‌گرایی

ایدئولوژی اسلامی می‌شکنند؟



سختی‌های گرفتن وام چند میلیونی برای من و شمای کم‌درآمد و آسانی گرفتن وام چند صد میلیونی فلان آقازاده و سرمایه‌دار رانتی نتیجه‌ی فساد است! این تنها نتیجه‌ی تفکری است که در دادن وام به‌دنبال سود قطعی می‌گردد. فلان آقازاده و سرمایه‌دار بزرگ طبیعتاً بهتر از من و شما می‌توانند در صورت ضرر طرحشان، سود بانک را بپردازند. در این شماره نمی‌توان به موارد دیگر پرداخت. سیاست خارجی‌ی جمهوری اسلامی طلب شما که ان‌شاءالله در شماره‌های بعدی به آن می‌رسیم. فقط همین را داشته باشیم که در همین حین که ما به‌راحتی در نماز جمعه‌ی شهر سرخس شرکت می‌کنیم، میلیون‌ها مسلمان هندی تحت فشار دولت راست‌گرای هندوی حاکم بر هند هستند و روزبه‌روز این فشارها بر گلویشان بیشتر می‌شود تا آخر نفسی برایشان نماند. این‌که آقایان به‌دلیل نگرانی از پیوندهای اقتصادی با هند حتی یک اعتراض خشک و خالی هم به دولت هند و سفیرش نکرده‌اند را نمی‌توان در هیچ‌کجای دیپلماسی اسلامی، که فریادرس هر مظلوم است، جای داد. سیاست خارجی‌ی از این سکولارتر؟ بعید نیست که همان دشمنی با اسرائیل هم اگر تحریم روابط اقتصادی با آن‌ها نبود، تابحال از بین می‌رفت.

آن‌چه که دیده می‌شود این است که در جای‌جای حکومت اسلامی، تفکرات غربگرا و شرق‌گرا در حال تیشه‌زنی به ریشه‌ی اعتماد عمومی مردم هستند. سپس همان‌ها ایدئولوژی اسلامی و نظام اسلامی را محکوم می‌کنند به ناکارآمدی و چنان به صندلی‌های حکمرانی چنبره زده‌اند که از ظهور خیل جوانان با تفکرات اسلامی و انقلابی هم واهمه دارند. انقلابی دیگر نیاز است تا زنجیره‌ی تمدنی انقلاب را به مرحله‌ی دولت اسلامی هُل دهد.

از دولت، چه به‌صورت سپرده‌های قبلی در بانک. ملاک سرمایه‌گذار (بانک)، سرمایه‌ی شما است تا در صورت شکست طرح کاری بتوانید آن سود قطعی ربوی بانک را تأمین کنید. در این نظام سرمایه‌گذار بین دو کارآفرین به آن شخصی وام خواهد داد که سرمایه‌ی بیشتری دارد و نه طرح کاری یا استعداد بهتر. حالا همین مثال را در اقتصاد اسلامی و در بانکداری بدون ربا ببینیم. در این اقتصاد از آن‌جایی که سود قطعی معنایی ندارد و سرمایه‌گذار و کارآفرین (تولیدکننده) در سود و ضرر شریک هستند، پشتوانه‌ی سرمایه‌ی به‌درد نمی‌خورد و این طرح بهتر و استعداد کاری بیشتر کارآفرین است که تعیین‌کننده‌ی گیرنده‌ی وام می‌شود. در این وضعیت بانک به عنوان سرمایه‌گذار به‌دنبال کارآفرینی است که توانایی تولید بهتری دارد و نه کارآفرین سرمایه‌دارتر! همین یک مثال نشان می‌دهد که در صورت پیاده شدن اقتصاد بدون ربا چه عدالتی در سطح تولیدکنندگان برقرار خواهد شد و چه طرح‌های تولیدی انتخاب می‌شوند. باز هم خیال خام است اگر فکر می‌کنید

مبادی قاچاق در طرفه‌العینی بسته شوند. مشکل آن‌جایی است که در ذهن مسئولین بازار آزاد اولویت دارد به بیکاری جوانان. تنها یک مثال از اقتصاد اسلامی را بررسی کنیم تا بفهمیم در این چهل سال چه کلاهی را به اسم بانکداری بدون ربا به سرمان گذاشته‌اند. این مثال را یک پژوهشگر اقتصاد اسلامی در کشور عربستان بررسی کرده‌بود. در اقتصاد آزاد یا به‌طور کلی نظام سرمایه‌داری، وام دادن با شرط گرفتن سود قطعی انجام می‌شود. همان چیزی که ما به اسم ربا می‌شناسیم. در این نظام اقتصادی سرمایه‌گذار پولش را به کسی می‌دهد که بتواند این سود قطعی را برایش فراهم کند. حالا نه طرح کاری خوب که پشتوانه‌ی سرمایه‌ای خوب مهم می‌شود. دقیقاً همان چیزی که در نظام بانکداری ما پیاده می‌شود. برای گرفتن وام از بانک باید نشان بدهید که پشتوانه‌ی سرمایه‌ی خوبی دارید. چه به‌صورت ضامن با فیش حقوقی

۱۳۵۶ دی ۱۹ قیام خونین مردم قم

به نوشته‌ی روزنامه‌ی اطلاعات، مقاله‌ی ۱۷ دی این روزنامه سبب تظاهرات اعتراض‌آمیز مردم در شهرستان قم شد و مقابله‌ی مامورین با مردم ۶ کشته و ۹ زخمی برجای گذاشت.

۱۳۱۴ دی ۱۷ توطئه‌ی استعماری کشف حجاب توسط رضاخان

رضاخان در جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، اجرای قانون کشف حجاب را اعلام کرد. در این مراسم، همسر و دختران رضاخان بی‌حجاب شرکت کرده بودند.

۱۳۵۹ دی ۱۶ حماسه‌ی خونین شهدای هویزه و شهادت حسین علم‌الهدی

بیش از یکصد نفر از رزمندگان از جمله حسین علم‌الهدی از فرماندهان ارشد جبهه‌های جنوب در جریان عملیات پاک‌سازی شمال و جنوب کرخه‌کور در منطقه‌ی «هویزه» به شهادت رسیدند.

پرنده‌ای در بهشت

آشنایی اجمالی با جعفر بن ابی طالب

ملاقات کرد. او را در آغوش گرفت. میان دو چشم او را بوسید و فرمود: به خدا قسم نمی‌دانم برای کدام یک مسرور باشم! دیدار جعفر یا فتح خیبر. آنگاه به او نمازی آموخت که به نماز جعفر طیار معروف است. فضیلت، ثواب و تأثیر نماز جعفر طیار در برآورده شدن حاجات در کتب ادعیه نوشته شده است.

جنگ موته

در سال هشتم از هجرت، پیامبر اکرم (ص) جعفر بن ابی طالب (ع)، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه را با لشکری برای جنگ روم به شام فرستاد. لشکر به‌جایی در شام از ناحیه‌ی بلقاء از سرزمین دمشق که به آن موته گفته می‌شد رسید. در این روایتی که سپاه اسلام سه هزار نفر و لشکر روم بیش از صد هزار تن بودند، ابتدا زید پرچم را گرفت و نبرد کرد تا به شهادت رسید. سپس جعفر آن را به دست راست گرفت و با کفار می‌جنگید تا دست راستش قطع شد. پرچم را به دست چپ گرفت، آن دست را هم قطع کردند. پرچم را به بازوان خویش به سینه گرفت و همچنان بود تا به درجه‌ی شهادت رسید.

در همان روز پیامبر (ص) از طریق وحی از شهادت جعفر آگاه شد. مردم مدینه را فراخواند و گفت: «خدا به جعفر به‌جای آن دو دست، دو بال در بهشت داد که به هر کجا بخواهد پرواز می‌کند» و سخت بی‌تاب شد و فرمود: «بر مانند جعفر باید زنان نوحه‌گر گریه کنند».

شیخ صدوق روایت کرده است پیامبر (ص) پس از شهادت جعفر بر خانواده‌اش وارد شد. سخت گریست و فرزندان جعفر را در بغل گرفت و مورد تقدیر قرار داد.

فضائل جعفر طیار

جعفر، صحابی مشهور پیامبر و برادر بزرگ‌تر امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد که در راه اسلام به درجه شهادت رسیده است.

در حدیثی از امام محمدباقر (ع) روایت شده است که: روزی جبرئیل بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و گفت: خداوند می‌فرماید: چهار خصلت در جعفر بن ابی طالب (ع) در دوران قبل از اسلام بوده است که من از آن تقدیر می‌کنم:

۱- هرگز بت نپرستیده است ۲- هرگز شراب ننوشیده است ۳- هرگز دروغ نگفته است ۴- هرگز زنا نکرده است.

روایات در فضیلت جعفر (ع) بسیار است. ولی برای شناخت عظمت آن بزرگوار گواهی حضرت رسول اکرم (ص) کافی است که فرمود: جعفر! تو در چهره و اخلاق شبیه من هستی. این شباهت به‌گونه‌ای بود که هر کس جعفر را می‌دید، می‌گفت: «سلام بر تو یا رسول‌الله» به گمان این که پیامبر (ص) است؛ و جعفر در پاسخ می‌گفت: من رسول‌الله نیستم و جعفر هستم. علاقه‌مندی امیر مؤمنان (ع) به برادرش جعفر نیز تا آنجا بود که عبدالله بن جعفر می‌گوید: هرگاه درخواستی را از عمویم علی (ع) داشتم و به‌حق پدرم -جعفر- او را قسم می‌دادم، آن را می‌پذیرفت.

حضرت ابوطالب (علیه‌السلام) عموی ارجمند حضرت رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و پدر بزرگوار حضرت علی (علیه‌السلام) است. مادر جناب جعفر، فاطمه بنت اسد، مادر بزرگوار حضرت علی (علیه‌السلام) می‌باشد. از حضرت ابوطالب و فاطمه بنت اسد (علیهماالسلام) چهار پسر و دو دختر به دنیا آمدند. همسر جعفر، اسماء بنت عمیس، از بانوانی است که در تشیع و حمایت از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) مانند خورشید در وسط آسمان می‌درخشید.

بنا به روایتی، اسماء از جعفر هشت فرزند داشت. در میان فرزندان جعفر بن ابی‌طالب (ع)، عبدالله دارای موقعیت به‌سزایی بود. او داماد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و همسر حضرت زینب کبری (علیهاالسلام) می‌باشد. از نوه‌های جناب جعفر طیار که فرزندان عبدالله می‌باشند، محمد و عون هستند که آن‌ها در کربلا در رکاب امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسیدند.

مهاجرت او به حبشه

در سال پنجم بعثت راثر فشار و شکنجه‌ی کفار قریش به مسلمانان، بنا به سفارش پیغمبر اکرم (ص) تعدادی از مسلمانان مکه به سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کردند.

پیامبر نامه‌ای برای نجاشی پادشاه حبشه به این مضمون نوشت: تو را به آنچه خدا دعوت کرده دعوت می‌کنم. یقیناً من فرستاده‌ی او هستم. مسلمان شو تا سالم بمانی. ای اهل کتاب، به‌سوی کلمه‌ای که بین ما و شما به‌طور مساوی مطرح است بیایید و آن اینکه «جز خدا را پرستش نکنیم و چیزی را بر او شریک قرار ندهیم». پس ای بزرگ حبشه اگر نپذیری گناه نصارای کشورت بر گردن توست.

پیغمبر نامه را به جعفر داد و از نجاشی خواست به اوضاع اینان رسیدگی کند. وقتی نجاشی نامه‌ی حضرت را دید بر چشم گذاشت. از تخت بلند شد و روی زمین نشست. به دست جعفر اسلام آورد و نامه‌ای به این مضمون برای پیامبر (ص) نوشت که «شهادت می‌دهم که تو فرستاده‌ی خدایی و راست‌گو و تصدیق شده‌ای. با تو و پسرعمویت بیعت کردم. به دست او به پروردگار جهانیان اسلام آوردم و فرزندم را به سوی فرستادم. من اختیار کسی غیر خود را ندارم. اگر بخواهی نزد شما می‌آیم. ای رسول خدا! من شهادت می‌دهم آنچه تو می‌گویی حق است و درود بر تو ای رسول خدا».

بازگشت از حبشه و نماز جعفر طیار

حضور مسلمانان در حبشه تا اواخر سال ششم هجری ادامه داشت و در این مدت نجاشی به دست جعفر بن ابی‌طالب مسلمان گشته بود. پیامبر (ص) قبل از غزوه خیبر، از نجاشی خواست تا مسلمانان را بازگرداند. نجاشی نیز پذیرفت و جعفر و دیگران را همراه عمرو بن امیه ضمیری، سفیر رسول خدا (ص) با دو کشتی به مدینه فرستاد.

پیامبر (ص) در بازگشت از غزوه‌ی پیروزمندانه‌ی خیبر علیه یهودیان، جعفر را که از حبشه بازگشته بود

این بخش توسط گروه پژوهش حوزه‌ی علمیه‌ی امام رضا (علیه‌السلام) تهیه شده است.

یکی از اصول مهم در تربیت دینی، معرفی الگوها و شخصیت‌های دینی می‌باشد. لذا بر مریبان و دلسوزان فرهنگی لازم است که هرچه بیشتر نسبت به معرفی و شناساندن شخصیت‌های اسلامی اهتمام بورزند.

در همین راستا به به مناسبت شهادت جناب جعفر طیار در ماه جمادی‌الاولی به نکاتی درباره‌ی زندگی این شخصیت بزرگوار می‌پردازیم. پدر و مادر: پدر جعفر،

یادداشت

این برگه‌ی A3 پشت و روایی که در داستان شماسنت قرار است شروعی باشد برای مخاطب مکتوب ما و شما ان‌شاء‌الله. اگر از «ما» بی‌رسید این که جمعی از جوانان این شهر که در ذیل ستاد نماز جمعه جمع شده‌ایم و ذوق صحبت با شما را داریم. و «شما» همان قشر متعهد و مذهبی شهر هستید که نماز جمعه بستری شده‌است برای دوره‌ی جمع‌شدن هفتگی‌مان. «ما» مفتخریم که «شما» مخاطبمان هستید. در این نشریه قرار است از دغدغه‌های مشترک‌مان صحبت کنیم. به مسائل شهرستان بپردازیم. پیگیری اتفاقات روز باشیم و در کنار یک‌دیگر اندیشه‌مان را ارتقا دهیم. ویژگی‌های مثبت شهرستان و نقاط امیدبخش آن را بهتر ببینیم و فکری به حال رفع کاستی‌ها کنیم.

فعلاً نمی‌شود به راحتی بخش‌های مختلف نشریه را شرح داد. این بخش‌ها علی‌الحساب سیال خواهند بود و ممکن است باشند یا نباشند. اما روال کلی ثابت است. یادداشت هر شماره به مسئله‌ی هفته اختصاص دارد. تیترو و خبر صفحه‌ی اول که جایگاهش مشخص است. در صفحات دوم و سوم معمولاً مباحث طولانی‌تر مطرح خواهد شد. یک ستون هم خواهیم داشت به نام نوجوان که مخصوص بیان دغدغه‌های جوانان و نوجوانان شهر است از زبان و قلم خود آن‌ها. بخشی از نشریه را به متون تهیه شده در حوزه‌ی علمیه سرخس اختصاص داده‌ایم. نگاه به تاریخ هم بخشی از نشریه‌ی هر هفته را شامل می‌شود. این تحفه‌ی ناچیز فعلاً بضاعت ماست که با لطف الهی ان‌شاء‌الله بهتر و کامل‌تر خواهد شد.

اما هدف اصلی از خرج کردن این ستون در شماره‌ی اول نشریه یک خواهش از شماست. شما خواننده‌ای که این سطور را می‌خوانید و به ما قوت قلب می‌بخشید. خواهش‌مان این است که نظرتان را هر چه که هست به ما بگویید. خوب است؟ بد است؟ کم است؟ زیاد است؟ کدام بخش را می‌پسندید؟ جای چه بحثی را در نشریه خالی می‌بینید؟ قصد همکاری دارید؟ سوژه‌ی شهرستانی می‌شناسید؟ ... خلاصه که حیات این نشریه به خواننده شدن آن بستگی دارد. خبر این خواننده شدن را به ما بدهید لطفاً.

گفتمان در فضای مجازی (بله، تلگرام):
@gofteman_sarakhs

شماره‌ی پیامک نشریه‌ی گفتمان:
۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵

محل تبلیغ شما

هزینه‌ی چاپ این نشریه از محل بودجه‌ی فرهنگی این مملکت و برای اعتلای اندیشه و فرهنگ مردم‌مان تهیه شده است. لطفاً بعد از مطالعه، آن را در اختیار سایر هم‌جبهه‌ای‌ها قرار دهید.